

واکاوی ماهیت امنیت برون‌زا بر منطقه‌گرایی کشورهای عربی خلیج فارس

غفار زارعی*

چکیده

منطقه خلیج فارس بدلیل اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از اهمیت بسزایی برای بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برخوردار است. منطقه خلیج فارس دارای کارکرد دوگانه؛ صلح/ جنگ و همگرایی/ واگرایی و امنیت درون‌زا/ برون‌زا بوده است. آنچه در این نوشتار مهم است واکاوی ماهیت امنیت برون‌زا بر مکانیسم منطقه‌گرایی کشورهای عربی خلیج فارس در حوزه سیاست داخلی و خارجی آنها می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق اینست که امنیت برون‌زا بر مکانیسم منطقه‌گرایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس چه تاثیری دارد؟ فرضیه اصلی بر این است که منطقه‌گرایی کشورهای خلیج فارس بر اساس امنیت برون‌زا و متکی بر تامین امنیت منطقه‌ای از سوی قدرت‌های فرا منطقه‌ای استوار است و نگرش‌های پان عربی، ژئوپلیتیک شیعه و سنی، حفظ سیستم سیاسی و اتحاد در مقابل بازیگران بزرگ منطقه‌ای باعث تشدید این استراتژی شده است. مطرح نمودن عناوینی مانند ناتوی عربی حتی در سطح نظری و موافقتنامه‌های دفاعی دوجانبه و چند جانبه با قدرت‌های بزرگ در راستای تکمیل پروژه امنیت برون‌زا می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش گردآوری کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلید واژه‌ها

منطقه‌گرایی، خلیج فارس، امنیت درون‌زا، کشورهای عربی، رقابت سیاسی.

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول) ghafarzarei@yahoo.com

مقدمه

مفهوم همگرایی برای اولین بار در چارچوب منطقه گرایی در اروپای غربی بخصوص بعد از جنگ دوم جهانی با تعاریف مشخصه های همه جانبه فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، تبدیل به یک پروژه عملیاتی شد. این منطقه، به نوبه خود، به عنوان ترکیبی از استعداد جغرافیایی، درجه بالایی از تعاملات، چارچوب های نهادی و هویت های فرهنگی مشترک تعریف گردیده است. خلیج فارس از جمله نقاط استراتژیک در حوزه روابط بین الملل است که به لحاظ موقعیت و تاثیر آن بر معادلات منطقه ای و جهانی از ارزش سوق الجیشی خاصی برخوردار است. حضور بیشتر و گسترده قدرت های بزرگ در طول قرون نوزدهم و بیستم و اهمیت این منطقه در نظریات ژئوپلیتیک کشورهای خارجی، گویای حفظ و تداوم منافع دولت های استعمار ی بوده است. در سال ۱۹۷۱م. با خروج انگلیسی ها، ایالات متحده امریکا با نفوذ غیر مستقیم خود با اجرای سیاست دو ستونی نیکسون (ایران ژاندارم منطقه و قدرت نظامی، عربستان قدرت اقتصادی) نظام امنیتی منطقه را شکل داد. در اوایل دهه هشتاد با پیروزی انقلاب اسلامی، یک نظام امنیتی جدید به نام شورای همکاری منطقه خلیج فارس (GCC)^۱ در حاشیه جنوبی خلیج فارس ایجاد شد. با حمله عراق به کویت، ناتوانی این شورا به اثبات رسید. همچنین هیچ تلاش سیاسی توسط دولت ها در حوزه خلیج فارس برای تشکیل واحد یکپارچه منطقه ای که سیاست های مشترک را تنظیم کند، انجام نشده است. بخصوص بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا به این نتیجه رسید که در منطقه، حضور و نفوذ بیشتری یابد و از اعتماد بیش از حد به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بپرهیزد. بنابراین ایالات متحده آمریکا به تدوین الگوی امنیتی جدید خود در منطقه خلیج فارس مبنی بر ثبات هژمونیک استبدادی پرداخت. ایران به دلیل داشتن بیشترین سواحل در خلیج فارس و همچنین پتانسیل های بالایی که می تواند نقش مهمی در امنیت منطقه ایفا کند، به دنبال جلب همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس و متقاعد کردن آنها بر مبنای عدم حضور و نفوذ بیگانگان در منطقه و ایجاد الگوی امنیت دسته جمعی در مقابل الگوی ثبات هژمونیک مورد پذیرش اعراب، بوده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۰). اما منطقه گرایی کشورهای عربی با امنیت برون زا و در حد بالایی از وابستگی به قدرتهای خارجی عجین شده است. بطوریکه این وابستگی امنیتی با کوچکترین بحران سیاسی و نظامی در کشورهای عربی، آشکار و مشاهده می گردد. بنابراین منطقه گرایی کشورهای عربی قبل از هر موضوع به تحلیل مفهوم امنیت برونزا بر می گردد. بکارگیری استراتژی امنیت برونزا با توجه به بحران های منطقه ای از یکسو و روابط دوجانبه و چند جانبه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با قدرتهای غربی از سوی دیگر کاملاً مشهود و معلوم می باشد.

^۱- Cooperation Council for the Arab States of the Gulf

۱. ادبیات تحقیق

با توجه به اینکه تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با موقعیت و جایگاه خلیج فارس و تحولات مرتبط با آن انجام گرفته است اما در ارتباط با مفهوم امنیت برون‌زا به عنوان پیش شرط منطقه‌گرایی کشورهای عربی با توجه به سیاست‌های اتحاد و ائتلافی آنان و چالش‌های آینده کمتر اشاره شده است. برخی پژوهش‌های مرتبط انجام شده در این حوزه را مورد بررسی قرار داده و به آنها اشاره می‌نماییم. برزگر (۱۳۸۶) در مقاله «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس» بیان می‌دارد که با خروج عراق از یک بازیگر تهدیدگر و تغییر ماهیت امنیتی و همچنین با ورود و افزایش نقش عنصر شیعه در تحولات قدرت و سیاست منطقه و به دنبال آن نزدیکی ایران و عراق، شکل‌گیری یک نظام امنیتی جدید مبتنی بر ویژگی‌ها و واقعیات سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ضروری است. نویسنده ضمن ارائه بعضی ویژگی‌های ترتیبات جدید امنیتی به این نتیجه می‌رسد که بدون همکاری جمعی و متقابل میان تمامی کشورهای منطقه، هیچ نظام امنیت منطقه‌ای موفق نخواهد بود. رسولی ثانی آبادی (۱۳۹۳) در مقاله «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟» بر این عقیده است که در بررسی ماهیت و علل شکل‌گیری اتحادهای این منطقه، بایستی نقش عوامل هویتی را بسیار کمرنگ دانست و به نقش قدرت و توازن قدرت در کنار توازن تهدید اشاره کرد. نصوحیان (۱۳۸۶) در مقاله «موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس»، بر این نظر است که اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر، بی‌اعتمادی و فقدان عزم سیاسی زمینه‌ساز بی‌ثباتی و نفوذ کشورهای فرا منطقه‌ای به خصوص آمریکا شده است. هر چند گام‌هایی در جهت تقویت همگرایی طی دو دهه اخیر برداشته شده است اما همگرایی در منطقه خلیج فارس به شرط وجود عزم سیاسی، تدوین اسرانه‌ی، همکاری و فعالیت جدی همه کشورهای منطقه در درازمدت قابل دسترسی خواهد بود. هرسیج، ابراهیمی پور، نوعی باغبان (۱۳۹۳) در مقاله «روابط کشورهای عرب منطقه‌ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی» به این موضوع اشاره می‌نمایند که کشمکش‌ها و منازعات دیرینه ساختاری در خلیج فارس از سال ۱۳۸۳ به بعد شکل آشکارتری به خود گرفته و منجر به شکل‌گیری علایق و منافع واگرایانه میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس شده است. موسوی (۱۳۸۶) در مقاله «الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع»، به رویکرد دو قدرت مداخله‌گر انگلیس و آمریکا در تنظیم ترتیبات امنیتی خلیج فارس پرداخته و اختلاف و تعارضات ادراکی بازیگران از ترتیبات امنیتی مورد نظر را بررسی کرده است.

۲. امنیت منطقه‌ای

در ابتدا برای تبیین بهتر و دقیق تر از مفاهیم به تعریف منطقه^۱ و مباحث مرتبط با امنیت منطقه ای می پردازیم. در تعریف منطقه گفته می شود که منطقه عبارت است از؛ یک ساختار بهم پیوسته شامل بر مرز کشورها و مبتنی بر قلمرو که حاکمیت های منفرد وجود داشته و از لحاظ اجتماعی متشکل از بازیگران مختلف است که به واسطه اصول متفاوت و گاه متعارض انگیزه پیدا می نمایند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۵) بنابراین منطقه گرایی به تمایل کشورهای مستقر در یک منطقه برای پرداختن به همکاری های مختلف اعم از سیاسی و نظامی و اقتصادی گفته می شود که هدف اصلی آن ها همکاری های مشترک و متجانس می باشد. هر چند که مفهوم منطقه گرایی در نتیجه تحولات نظام جهانی تا حدودی تغییر پیدا نموده است اما هدف اصلی چنین رهیافتی رسیدن به نقاط اجماع ساز، مبادلات و همگرایی همه جانبه در قالب همکاری منطقه ای می باشد. بنابراین، منطقه گرایی اقدامی در جهت افزایش همکاری بین دولت ها، انتقال تدریجی قدرت به نهادهای فراملی، همگن سازی ارزش ها و ظهور اشکال جدید جامعه سیاسی است. در این چارچوب، همکاری منطقه‌ای باید بر اساس میزان رشد تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مبتنی بر هویت مورد توجه قرار گیرد. مفهوم امنیت منطقه‌ای از ترکیب دو واژه امنیت و منطقه‌ای می‌باشند که هر دو واژه‌ای پیچیده‌ای هستند که شاید تعریف مشترکی برای آنها نباشد. (مورگان، ۱۳۸۱: ۴۰) مساله دیگر پرداختن به مقوله امنیت می باشد که امنیت مدت‌هاست مباحث حوزه بین الملل را به خود مشغول کرده است. بعد از جنگ سرد، مفهوم امنیت بسیار چند وجهی تر شده است. از نظر باری بوزان^۲ مفهوم امنیت گسترده شده است و شامل مفاهیم بسیاری می‌باشد که امنیت منطقه‌ای را نیز شامل می‌شود. رویکرد بوزان بیشتر جامع است؛ و در حالی که او تجزیه و تحلیل خود را با اعتقادات نئورئالیستی مانند هرج و مرج، آغاز می‌کند. در نظریه باری بوزان، از همه جنبه‌ها به امنیت نگریسته شده است. (Buzan, 1991: 19) نظریه امنیت منطقه‌ای، نظریه‌ای روش شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای برای تجزیه و تحلیل منطقه‌ای و مسائل امنیت بین المللی است. این نظریه می‌خواهد به فهم منطقه‌ای محور از جهان برسد. از سوی دیگر در پی ایجاد چارچوبی نسبتاً باز است تا بتواند امکان گسترش تفاوت در میان مناطق را درک نماید. باری بوزان برای اولین بار نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را مطرح کرد، اما بعدها نظریه پردازان دیگری از

¹ -Region

² - Barry Gordon Buzan

آن استفاده کردند که مهم‌ترین آن‌ها لیک^۱ و مورگان^۲ بوده‌اند (عبدالله، ۱۳۷۸: ۲۷۷). از لحاظ امنیت، منطقه به معنی شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند. سطح منطقه‌ای، نقش رابط را در ارتباط متقابل دولت‌ها و کل سیستم بین‌المللی بازی می‌کند. بدون درک این سطح، وضعیت دولت منطقه‌ای به طور شایسته درک نخواهد شد (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۳). مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای با ساخت گفتمانی مناطق توصیف نمی‌شوند. در کل این مجموعه‌ها، گفتمان‌ها و کارکردهای امنیتی، بازیگران مطالعه می‌شوند و نه گفتمان‌ها و کارکردهای منطقه آنها (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۷۹). به طور کلی می‌توان این تعریف را ارائه داد که امنیت منطقه‌ای عبارت است از: مجموعه تصورات و تعبیرات از امنیت ملی، که اعضای یک منطقه می‌توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آورند (افتخاری، ۱۳۷۲: ۳۱۹). باری بوزان معتقد است: ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیتی یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن وجود دارد، ناممکن می‌سازد. (بوزان، ۱۳۸۷: ۴۰) منطقه به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌شود که به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی هم قرار دارند. در تعریف امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌ها می‌باشد. منظور از دوستی اینکه در روابط آنها طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوء ظن و هراس حاکم می‌باشد. چیزی که این دو قطب را از یکدیگر جدا می‌سازد، فاصله وسیعی متشکل از بی تفاوتی یا بیطرفی است که در آن دوستی و دشمنی یا به قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید یا به طوری به هم آمیخته که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد (Buzan, 1991: 35). ارتباط کشورها با محیط بیرونی از سه زاویه می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد: روابط اختلاف آمیز که در آن برداشت منافع، اختلاف وجود دارد اما قابل حل است. روابط تناقض آمیز که با ناسازگاری بنیادین همراه است و به راحتی قابل حل نیست و به گذشت زمان نیاز دارد. و روابط تضاد آمیز که در آن منافع و دیدگاه‌های طرفین در تقابل کامل قرار دارد و مسایل ریشه‌ای تر از آن است که تضارب آرا حل شود. در این موارد رویارویی علنی وجود دارد (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۶۳). بنظر می‌آید که روابط منطقه‌ای بازیگران حوزه خلیج فارس مبتنی بر روابط تضاد آمیز باشد. به همین دلیل است که مساله امنیت نظامی، حضور قدرتهای بزرگ،

¹- Lake David

²- Patrick Morgan

جنگ های نیابتی، تخریب مواضع سیاسی و در نهایت ائتلاف و اجماع بر علیه سایرین جزو سیاست های اجتناب ناپذیر در منطقه خلیج فارس می باشد.

۳. امنیت برونزا و منطقه گرایی در خلیج فارس

استراتژی امنیت برونزا به تدوین سیاست ها و متغیرهایی اشاره دارد که تامین و بکارگیری آن در بیرون از مناسبات منطقه ای تعریف و تدوین می گردد. نقطه مقابل امنیت برونزا در پیش گرفتن استراتژی امنیت درونزا یا خود اتکایی بر اساس مولفه های بومی-ملی می باشد. به عبارت بهتر امنیت درونزا مفهومی مبتنی بر امنیت شبکه‌ای است که در مقابل مفهوم امنیت برونزا^۱ قرار می‌گیرد. در حالت امنیت درونزا، امنیت شبکه از سوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، در حالی که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برونزا از سوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). موازنه میان امنیت درونزا و برونزا در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را می‌توان با توسل به نظریه موازنه تهدید نشان داد. طرح‌های امنیت درونزا در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای موفقیت، نیازمند حداقل درجاتی از همگرایی امنیتی بر پایه اعتماد میان اعضا هستند تا بتوان از آن به عنوان نقطه شروع استفاده کرد. ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار متغیر اساسی تشکیل می‌شود. نخست، مرز که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از دیگر واحدها جدا می‌سازد. دوم، ساختار آنارشیکی که به معنای وجود دو یا چند واحد خودمختار در درون چنین مجموعه‌ای است. سوم، قطبیت که معادل توزیع قدرت میان واحدهای مجموعه است. چهارم، ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدها می‌شود (Buzan and Weaver, 2003: 53). منظور از دشمنی در اینجا، بدگمانی و ترس حاکم بر مناسبات دو یا چندجانبه میان واحدها است و دوستی نیز به گستره‌ای از برهم کنش‌های مبتنی بر ابراز حسن‌نیت تا انتظار پشتیبانی و انعقاد پیمان‌های همکاری میان واحدها اشاره دارد. بوزان و ویور (۲۰۰۳: ۴۸-۴۹) نقش بازیگران بیرونی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت دو مفهوم نفوذ و همپوشانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در حقیقت از چشم‌انداز بوزان و ویور، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا و صف‌بندی میان قدرت‌های اصلی منطقه است که باید تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را نیز به آن افزود. همپوشانی زمانی اتفاق

^۱. Exogenous Security

می‌افتد که یک یا چند واحد سیاسی به‌طور همزمان به بیش از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعلق داشته باشند. بنابراین امنیت در منطقه عربی خلیج فارس متکی بر عوامل بیگانه و فرا منطقه ای می‌باشد که از آن می‌توان به امنیت وابسته، اجاره ای، و ناپایدار تعریف نمود. عوامل منطقه گرایي کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در ابتدا می‌بایست در حوزه نفوذ و برتری قدرت سیاسی بازیگران منطقه ای مورد بررسی قرار داد. البته ناگفته نماند که این رویکرد سیاسی در جهت حفظ موجودیت سیاسی و عدم اعتماد سیاسی نسبت به سایر بازیگران منطقه ای می‌باشد. از سوی دیگر ترتیبات امنیتی خلیج فارس از دیر باز مورد توجه بازیگران بین المللی و منطقه‌ای قرار داشته است اما در پی تحولات سالهای اخیر از جمله عراق جدید و حضور نیروهای نظامی خارجی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر همایش‌ها و گفتگوهای امنیتی در خلیج فارس به بحث گذاشته شده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹). در حقیقت، منطقه‌گرایی خلیج فارس بیش از آنکه دلایل و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی خاص خود را به لحاظ نهادی داشته باشد، تحت تأثیر ادراکات مربوط به ناامنی به‌ویژه در درون خود منطقه بوده است. حتی شورای همکاری خلیج فارس به‌مثابه بارزترین نماد منطقه‌ای‌گرایی (نابالغ) در خلیج فارس نیز به‌رغم ترسیم چشم‌انداز یکپارچگی امنیتی و دفاعی، پیشرفتی فراتر از سیاست‌های اعلامی نداشته است که یکی از عمده دلایل آن وجود بدگمانی و بی‌اعتمادی میان اعضای شوار نسبت به یکدیگر است (Miller, 2019: 36). تاکید بر امنیت برونزا در حفظ موجودیت واحدهای سیاسی از یکسو نشانه ای از عدم واقع بینی در سیاست های دراز مدت می‌باشد و از سوی دیگر بر وابستگی بیشتر آنها به قدرت های بزرگ جهانی می‌افزاید. همچنین عواملی مانند؛ عدم استقلال سیاسی، ضعف رابطه ملت - دولت و فقدان تعریف نوین از شیوه حکومتداری مبتنی بر اراده و خواست مردم، جزو عناصر مهم در وابستگی به امنیت برونزا در میان کشورهای حوزه‌خلیج فارس می‌باشد.

۴. استراتژی امنیتی ایالات متحده در خلیج فارس

در ارتباط با تداوم حضور آمریکا و تعمیق روابط آن با کشورهای عربی بیشتر به مباحث حوزه انرژی نفت و گاز اشاره می‌شود اما این موضوع فرعی می‌باشد. زیرا آمریکایی‌ها علاوه بر تامین منابع انرژی به دنبال سلطه سیاسی و نظامی در منطقه می‌باشند و در این راستا استراتژی نظامی - امنیتی ایالات متحده بصورت دوجانبه و چند جانبه با کشورهای عربی منطقه بطور مرتب در حال توسعه و تعمیق می‌باشد. ایالات متحده از حدود یک دهه پیش در حال بازنگری نقش و جایگاه خود در

خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس بوده است و به نظر می‌رسد که در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری آماده انجام تغییرات اساسی در این خصوص است. چنانچه در سفر اخیر ریاست جمهوری ایالات متحده به عربستان سعودی، جو بایدن^۱ رئیس جمهوری آمریکا، در نشست‌هایی که با حضور سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اردن، مصر، و عراق برگزار گردید، گفت ایالات متحده به عنوان یک شریک فعال در خاورمیانه باقی خواهد ماند. بایدن افزود آمریکا منطقه را ترک نخواهد کرد تا روسیه، چین، یا ایران خلا به وجود آمده را پر کنند. (<https://www.entekhab.ir/fa/news/685889>) حتی با وجود شکاف‌های سیاسی بین آمریکا و برخی از کشورهای منطقه باز هم کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مایل به تداوم حضور آمریکا در منطقه و حمایت همه جانبه آن می‌باشند. شکاف بین آنچه که دولت‌های عرب خلیج فارس از ایالات متحده انتظار دارند و آنچه واشنگتن مایل به ارائه آن است در سال‌های گذشته افزایش یافته است. اعضای شورای همکاری خلیج فارس کاهش حضور نظامی مستقیم ایالات متحده در منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. اگر چه دامنه، اندازه و هدف واشنگتن از این انجام این تغییر هنوز مورد بحث است. رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از یک سو حضور نظامی ایالات متحده را ضامن اصلی امنیت خلیج فارس می‌دانند و برای تداوم آن تلاش می‌کنند و از سوی دیگر به دنبال تقویت بنیان‌های نظامی و امنیتی خود در صورت ضرورت اقدام مستقل برای دفاع از امنیت خلیج فارس هستند. آمریکایی‌ها مرتب به ثبات و مشارکت نظامی در منطقه خلیج فارس تاکید نموده و خود را متعهد به آن می‌دانند. برای مثال ژنرال اریک کوریللا^۲ فرمانده سنتکام، با تاکید بر اهمیت مشارکت نظامی آمریکا و امارات گفت که سنتکام قاطعانه به ثبات در منطقه متعهد است. (<https://www.entekhab.ir/fa/news/690635>) تاکید سیاست راهبردی ایالات متحده بر روابط دوجانبه و همه جانبه نظامی از یکسو به بهره برداری بهتر از منافع ملی آنها می‌انجامد و از سوی دیگر وابستگی به تامین امنیت کشورهای عربی از سوی آمریکا را تقویت می‌نماید. وابستگی هر چه بیشتر امنیتی و ترس از فروپاشی ساختارهای سیاسی، در نتیجه آشوب و اعتراضات مردمی، زمینه را برای حضور دایمی و اجتناب‌ناپذیر آمریکا فراهم می‌نماید. باید در نظر داشت که توجه آمریکا به منطقه خلیج فارس بر اثر انعکاس تحولات انقلاب اسلامی ایران و تزلزل در سیستم امنیتی منطقه که وابسته

^۱- Joe Biden

^۲- Michael Kurilla

به غرب بوده است، بیشتر شده و از آنجا که کشورهای عربی منطقه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی، عدم ثبات سیاسی و بحران مشروعیت به غرب و آمریکا وابسته‌اند، آمریکا در منطقه توانسته از اختلافات ایران و اعراب برای رسیدن به منافع خود استفاده نماید. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶) و به دلیل همین بی‌ثباتی‌های کشورهای منطقه است که حضور آمریکا در منطقه به عنوان ایجاد کننده امنیت در منطقه تثبیت شده است. بهبود مناسبات دوجانبه و چند جانبه کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند منجر به استراتژی خود اتکابی امنیتی مبتنی بر توانمندی‌های سیاسی و نظامی گردد. هرچند که تدوین و پیگیری آن دارای ابهامات و اما و اگرهای زیادی می‌باشد. برخی از مطلعین حوزه سیاست خارجی با تأکید بر ایجاد یک سیستم همکاری و امنیت جمعی در خلیج فارس بر این عقیده اند که، اصول این سیستم می‌تواند همه نگران‌های موجود کشورهای عضو را برطرف کند. احترام و منافع متقابل، برابری در روابط، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی هر کشور و تغییر ناپذیری مرزهای بین‌المللی موجود، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و تعهد به حل مسالمت‌آمیز اختلافات را می‌توان از رئوس اصلی آن سیستم بر شمرد. (<https://www.entekhab.ir/fa/news>) آمریکایی‌ها با تأکید بر افتراق‌ها، دشمنی‌ها و چه بسا تناقض و تضادهای سیاسی راه‌های رسیدن به امنیت مشترک و منافع جمعی را به تعقیب می‌اندازند. تفاوت نگرش‌ها و ایدئولوژی واحدهای سیاسی و نوع راهبرد سیاست خارجی کشورهای منطقه، زمینه را برای استراتژی ائتلاف و اتحاد یا ایجاد رویکرد امنیت مشترک فراهم نمی‌نماید. در امنیت مشترک بر امنیت نظامی بیش از هر چیز تأکید می‌شود و بر موضوعاتی مانند خلع سلاح، امنیت از طریق همکاری به جای رقابت و اقداماتی برای کنار گذاشتن حملات غافلگیر کننده استوار است (عبدالله خانی، ۱۳۸۷: ۳۷۵). تلاش آمریکا این بوده که به همراهی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ساختار عربی بر علیه ایران را تقویت کند. ایران دخالت آمریکا و بیگانگان در منطقه را بزرگترین خطر تهدید کننده امنیت کشورها و مانع رسیدن کشورهای منطقه به تفاهم و امنیت مشترک دسته جمعی می‌داند. (معین الدینی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). ایالات متحده در جهت حفظ تداوم حضور راهبردی در منطقه از استراتژی امنیتی و القای آن به کشورهای پیرامونی برای تداوم حضور طویل‌مدت خود به عنوان یک سیاست راهبردی استفاده می‌نماید.

۵. تشدید رقابت بازیگران منطقه ای

رقابت سیاسی بازیگران منطقه ای از جمله مباحث مهم در واکاوی امنیت برون‌زا در منطقه گرایی کشورهای عربی خلیج فارس می‌باشد. هرچند که این رقابت میان بازیگران منطقه ای تا حدودی

غیر حقیقی بنظر می رسد اما واقعی می باشد. موقعیت سوق الجیشی ایران و شرایط جغرافیایی آن با کاربست آموزه های انقلاب اسلامی از جمله اصل سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم اعتماد به فرهنگ و ارزش های لیبرالیستی، مخالف با حضور قدرتهای بزرگ در منطقه و در نهایت به چالش کشیدن بازیگران منطقه ای با تاکید بر مخالفت بر استعمار و استبداد داخلی، زمینه رویارویی، مخالفت و صف بندی های جدید منطقه گرایی کشورهای عربی را تشدید نمود. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با حضور نیروهای نظامی خارجی به طور مستمر خواهان خروج نیروهای بیگانه از منطقه و عدم مداخله دولت های فرامنطقه ای در امور خلیج فارس بوده است. ایران همواره معتقد است که کشورهای منطقه با همکاری با هم، بهتر می توانند امنیت منطقه را تأمین کنند (رهبر و صحیح النسب، ۱۳۹۳: ۲۴۵). اما این استراتژی ایران مورد قبول کشورهای منطقه قرار نگرفته و آن را در چارچوب سیاست همزونی منطقه ای ایران می دانند. بنابراین قدرت های منطقه ای از جمله عربستان سعی نموده اند با ایجاد ائتلاف منطقه ای کشورهای عربی به مقابله به سیاست های ایران بپردازند. عربستان به عنوان یکی از بازیگران رقیب و مخالف منطقه ای ایران به دنبال آن است که با محوریت عربی-اسلامی، خطوط متمایز امنیتی-سیاسی بر علیه ایران را در حوزه خاورمیانه به خصوص در کشورهای عربی خلیج فارس تعقیب و تثبیت نماید. تصور و درک عربستان سعودی در ابتدای قرن بیست و یکم مبتنی بر این قرار گرفته است که بعد از سقوط صدام در عراق، وقوع انقلاب های عربی و نفوذ ایران در کشورهای عربی، جمهوری اسلامی ایران تهدیدی علیه عربستان سعودی به شمار می رود. بنابراین نخبگان سیاسی در عربستان سعودی تلاش دارند با همکاری ایالات متحده و ائتلاف با آمریکا، اسرائیل و ترکیه علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی اقدام نمایند. به عبارتی، الگوی حاکم بر سیاست خارجی عربستان سعودی بر اساس درک و تصور نخبگان سیاسی این کشور از تهدیدات و ایجاد ائتلاف و یا اتحاد برای مقابله با این بحران ها می باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۸۲). بنابراین عربستان با تاکید بر امنیت منطقه ای به عنوان تداوم امنیت ملی به دنبال: حل و فصل مشکلات و اختلافات مرزی، هماهنگی اقتصادی دولت های عربی منطقه در چارچوب قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و در نهایت هماهنگی سیاست خارجی این کشورها در زمینه های نفت و امنیت می باشد. از دهه ۱۹۸۰م. به بعد، هر چند مقامات عربستان یک هویت اسلامی - عربی را دنبال می کنند ولی منافع خود را در راه همکاری با قدرت های بزرگ مصرف کننده نفت در اروپا و آمریکا می بینند و کمتر به همکاری و ایجاد رابطه با کشورهای منطقه نظر دارند و این تعارض آن را با بعضی بازیگران منطقه ای از جمله ایران تشدید می کند. تحول های

نوین بین‌المللی به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر و حضور نظامی امریکا در افغانستان، عراق و خلیج فارس موجب تحرک بیشتر ایران و عربستان گردید. نکته اتکای عربستان، دیپلماسی نفت و پیوند با غرب و ایالات متحده و نکته اتکای ایران بهره‌گیری از گروه‌های مبارز و قدرتمند مورد حمایت بوده است. در کنار تحول‌های نوین جهانی و منطقه‌ای، روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد و اتخاذ رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی نسبت به غرب و متحدان آنها، موجب شد تا منابع تنش و واگرایی در روابط ایران و اعراب به ویژه عربستان پررنگ شود و ایران و عربستان در مسایل مختلفی ضمن رقابت با یکدیگر از جهت روابط دوستانه از یکدیگر دور تر شوند. (ازغندی، آقاخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۲) در عرصه روابط بین‌المللی نیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره از مشتریان ثابت قدرت‌های غربی در زمینه خرید تسلیحات نظامی هستند و حتی این خریدها جنبه رقابتی و انفرادی میان قدرت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس را پدید آورده است. هر عضوی از شورای همکاری خلیج فارس، شیوه مستقلی را برای کسب آموزش و ساختار نیروهایش اتخاذ کرده و ترتیبات یک‌جانبه‌ای را با قدرت‌ها و شرکت‌های غربی برای برآوردن نیازها و کسب تضمین‌های امنیتی به وجود آورده است. می‌توان گفت ترتیبات امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر متکی بر قدرت‌های خارجی است تا همکاری درونی و منطقه‌ای» (مایل افشار و عزتی، ۱۳۸۹: ۵۸). همچنین این وابستگی بیشتر بر تقویت تجهیزات نظامی و افزایش خرید تسلیحاتی متکی می‌باشد و استراتژی تقویت نظامی درحوزه خلیج فارس از یکسو کشورهای عربی منطقه را تبدیل به مشتریان دائمی خرید نظامی نموده و از سوی دیگر به وابستگی امنیتی بیشتر آنها به قدرت‌های خارجی شده است. بر اساس آمار موسسه تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم، عربستان سعودی، یکی از ۱۵ کشور برتر جهان در خریدهای تسلیحاتی در سال ۲۰۰۸ م. بوده است. این کشور در رده نهم جهانی ایستاده و مبلغی بالغ بر ۳۸,۲ میلیارد دلار را برای پروژه‌های تسلیحاتی خرج کرده است. یکی از راه‌های اندازه‌گیری نظامی‌گری، درصد تولید ناخالص داخلی هزینه شده کشورها در زمینه نظامی است که عربستان بر اساس آمار موسسه بین‌المللی صلح استکهلم، در این راه ۹,۳ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به خریدهای تسلیحاتی اختصاص داده است. (ملک محمدی و مدنی، ۱۳۹۱) برای اینکه ترتیبات امنیت دسته‌جمعی و همگرایی در منطقه به صورت بومی شود باید تعبیر واحدی از امنیت و ناامنی در بین منطقه ارائه شود و امنیت و ناامنی کشورهای منطقه برای هم مهم باشد، همچنین بازیگران مشخص باشند و نقش مشخصی هم داشته باشند، عوامل همکاری در بین کشورهای منطقه بر عوامل تضاد آفرین برتری پیدا کنند، یک سری

برنامه‌های امنیتی هماهنگ ایجاد شود و مدیریت و کنترل منطقه در بین اعضا به صورت بومی شود. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۵) تاکید بر قدرت نظامی و امنیت برونزا در میان کشورهای عربی نشانه‌هایی از تقابل بازیگران منطقه‌ای در جهت دستیابی به مناطق نفوذ بیشتر می‌باشد. از سوی دیگر وضعیت داخلی بسیاری از کشورهای عربی دستخوش دگرگونی و حرکت‌های سیاسی می‌باشد و برخی از کشورهای عربی با فرافکنی و تاکید بر امنیت برونزا بدنبال تحکیم قدرت سیاسی و سرپوشی در جهت مطالبات سیاسی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

منطقه‌گرایی عامل تقویت روابط اقتصادی، تجاری و بین‌المللی در عرصه جهانی محسوب می‌شود. دولت‌ها عربی خلیج فارس از طریق وارد شدن در اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری، تا حد زیادی بستر تعادل و همکاری بین خود را به وجود می‌آورند. از سوی دیگر منطقه‌گرایی توازن رقابت و قدرت تولید ملی را بیش از پیش افزایش می‌دهد تا کشورها بتوانند با قابلیت و ظرفیت بهتر در سطح جهانی ایفای نقش کنند. بنابراین منطقه‌گرایی می‌تواند آفریننده بسترهای لازم برای ساخت‌های فیزیکی باشد که روند جهانی شدن آن را تکمیل می‌کند در این رهگذر کشورهای خلیج فارس می‌توانند در قالب منطقه‌گرایی و اتحادیه‌های منطقه‌ای فراگیر از حقوق خویش حفاظت کرده و امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خویش را تضمین کنند. اما مهمترین مساله در منطقه‌گرایی ابعاد امنیتی آن است که در تعریف راهبردی از منطقه‌گرایی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. امنیت برونزا به عنوان یک سیاست راهبردی در میان کشورهای عربی خلیج فارس در حال اجرا بوده است و این سیاست ریشه در تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و منافع قدرت‌های بزرگ دارد. امنیت خلیج فارس را با ابزارهای نظامی نمی‌توان تامین نمود بلکه نیاز به بازخوانی رویکردهای جدید امنیتی از اوضاع و شرایط منطقه‌ای می‌باشد. از سوی دیگر ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در منطقه خلیج فارس به گونه‌ای است که همواره درجه‌ای از رقابتها، اعم از سازنده یا غیر سازنده، در بین بازیگران اصلی منطقه‌ای وجود داشته است. در گذشته حضور بازیگران مداخله‌گر خارجی عامل اصلی متعادل کننده قدرت و سیاست در این منطقه بود. این منطقه به دلایل مختلف از جمله انرژی، آبراهه‌ها و معابر استراتژیک و نیاز به امنیت آن برای قدرت‌های بزرگ، بازارهای مصرف و غیره، در معادلات جهانی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. به همین دلیل است که تاکید بر امنیت برونزا و اتکای به قدرتهای خارجی با اهداف قدرت‌های بزرگ در فرایند طولانی عجین شده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا و آقاخانی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی عوامل منطقه ای واگرایی در روابط ایران و جهان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۲۵.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱). **خلیج فارس و مسائل آن**، تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۲). **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**، ترجمه پژوهش‌های اجتماعی، تهران: نشر بینش.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶). «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۳، صص ۵۹-۷۵.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). **مردم، دولت‌ها و هراس**، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۳). «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۷۱-۱۹۶.
- رهبر، عباسعلی و صحیح‌النسب، جواد (۱۳۹۳). «بررسی چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در خلیج فارس»، **فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل**، دوره ۷، شماره ۲۶.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازنگری و پارادایم ائتلاف**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵). «منطقه‌گرایی و صلح‌سازی در جهان با تاکید بر خلیج فارس»، **فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی**، شماره ۱، بهار.
- ظهرا البوشی، عبدالله (۱۳۷۸). **مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس**، تهران، ترجمه جمشید زنگنه، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). **کتاب آمریکا (۲) ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). **نظریه‌های امنیت**، تهران: موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵). «تیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال بحران‌های خاورمیانه (۱۵-۲۰۱۹)»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۱۰۹-۷۹.
- مایل افشار، فرحناز و عزت‌الله، عزتی (۱۳۸۹). «تحلیلی بر نقش قدرتهای مداخله‌گر در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه جغرافیایی سرزمین**، سال هفتم، شماره ۲، صص ۷۶-۵۳.

- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). *ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایران، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- معین الدینی، جواد (۱۳۸۶). «دگرگونی ژئوپولیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۲۶-۲۲۵.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا و مدنی، سید مهدی (۱۳۹۱). «فرهنگ حاکم بر تعاملات ایران و عربستان از منظر تحلیل سازه انگارانه»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳ شماره ۴، صص ۷۸-۶۱.
- مورگان، پاتریک و لیک، دیوید (۱۳۸۱). *نظم‌های منطقه‌ای امنیت سازی در جهان نوین*، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی، سید حسین (۱۳۸۶). «الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع»، *فصلنامه راهبردی*، سال دهم، شماره ۴، صص ۸۳۱-۸۶۶.
- نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۶). «موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس»، *فصلنامه ره آورد سیاسی*، شماره ۱۷، صص ۱۶۲-۱۴۳.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵). «ترتیب‌های امنیتی خلیج فارس»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۰، صص ۳۶-۲۳.
- هرسیج، حسین؛ ابراهیمی پور، حوا و نوعی باغبان، سید مرتضی (۱۳۹۳). «روابط کشورهای عرب منطقه ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال بیست و دوم، شماره ۸۸، صص ۹-۳۸.

ب) منابع انگلیسی

- Buzan, Barry (1991). *People, States, and Fear: The Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era.*, ST edion Hertfordshire: HarvesterWheatsheaf, 1991 and 2008.
- Buzan, B. and Weaver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
- CrossRef Wendt (1995). 'Building International Politics', *International Security*, Vol. 20, no 1 (Summer).
- De Witte, B. (2015). "Network Games, Information Spread and Endogenous Security, Master Thesis Applied Mathematics Faculty of Electrical Engineering", *Mathematics and Computer Science (EEMCS)*, University of Twente, Available at: <https://www.utwente.nl/en/eemcs/sacs/teaching/Thesis/witte.pdf> [accessed 2 September 2020].
- Miller, R. (2019). "Managing Regional Conflict: The Gulf Cooperation Council and the Embargo of Qatar", *Global Policy*, 10(2): 36-45, DOI: 10.1111/1758-5899.12674.

واکاوی ماهیت امنیت برون‌زا بر منطقه گرایی کشور...؛ غفاری

<https://www.entekhab.ir/fa/news/690635>.

<https://www.entekhab.ir/fa/news/600988>.